اسیر شدن بانو شهر بانو

یزدگرد سوم (یزدگرد بن شهریار بن پرویز بن هرمز بن انوشیروان) آخرین پادشاه ساسانی پدر جناب شهربانو است که بعضی وی را با نام «شاه‌زنان» یاد کرده‌اند.

دوران سلطنت یزدگرد سوم مصادف با دوره هرج و مرج در ایران بود. او در این عصر که زمان خلافت عمر بن خطاب بود با حملات پی در پی سپاه اسلام روبه‌رو شد. سرانجام سپاه ایران در جنگ نهاوند از سپاه اسلام شکست خورد و یزدگرد به خراسان گریخت و در آنجا به آسیابانی در مرو پناه برد. آسیابان به طمع لباس فاخر او، او را کشت. بدین ترتیب سلسله ساسانی پس از ٤١٦ سال در سال ٢٠ هجری منقرض شد.

در این بحران که ایران به دست سپاه اسلام افتاد، دختر یزدگرد سوم «شهربانو» را اسیر کرده با اسیران دیگر وارد مدینه کردند، مردم دسته‌دسته برای تماشای دختر پادشاه عجم می‌آمدند. در این هنگام عمر وارد مسجد شد. پرسید: دختر پادشاه عجم کدام است؟ شهربانو را نشان دادند. عمر دست دراز کرد تا نقاب از روی او بردارد، او نگذاشت و به فارسی گفت: «روی خسرو سیاه باد، اگر نامه پیامبر(ص) را پاره نمی‌کرد امروز مرا اسیر نمی‌کردند تا مردم گروه گروه به تماشای من بیایند».

عمر خیلی ناراحت شد به حدی که دستور قتل او را داد و گفت: این زن عجمی مرا دشنام داد. حضرت علی(ع) فرمود: ای عمر! تو از زبان او آگاهی نداری او جد خود خسرو را نفرین کرد به تو حرفی نزد و فحشی نداد.

در این موقع عمر دستور داد منادی، مردم را مطّلع کند تا مردم جمع شوند و او را خریداری کنند و گفت: «هر کس او را زیادتر خرید، مال اوست.» (به اصطلاح او را به مزایده گذاشتند)

حضرت علی(ع) فرمود: فروختن دختران پادشاهان جایز نیست باید آنان را به حال خود گذاشت، هر که را انتخاب کنند مخیّر هستند، آن‌گاه به شهربانو فرمود: آیا می‌خواهی تو را شوهر بدهم؟ شهربانو جواب نداد، حضرت فرمود:سکوت شهر بانو دلیل بر رضایت است

سپس به او فرمود: «در میان این جمعیت هر که را می‌پسندی تو ر برای او عقد می‌کنم.» شهربانو برخاست و در میان همه مردم، از پشت سر امام حسین(ع) را نشان داد و گفت: اگر اختیار با من است من این شخص را بر احدی ترجیح نمی‌دهم. حضرت علی(ع) به حذیفه فرمود تا شهربانو را به خانه امام حسین(ع) ببرد، به این ترتیب او همسر حضرت سیدالشهدا(ع) شد.

به شهربانو گفتند: سبب چه بود که آن روز در مسجد میان آن همه جمعیت، حسین را اختیار کردی؟ با اینکه او را نمی‌شناختی؟

گفت: «من حکایتی دارم، آن روز که لشکر اسلام، مدائن را محاصره کرد، شبی در خواب دیدم پیامبر اسلام(ص) به ایوان کسری آمد، و دست همین بزرگوار (امام حسین(ع)) را گرفته و به من فرمود: ای دختر پادشاه عجم! من تو را نامزد حسین(ع) کردم. چون پیامبر بیرون رفت، حضرت فاطمه(س) وارد شد و مرا در آغوش گرفت و فرمود: تو نامزد پسر من هستی، تو عروس من می‌باشی، مسلمانان بر شما غالب می‌شوند، و اسیر آنان می‌گردی؛ نگران مباش که در مدینه به وصال شوهرت می‌رسی، ازاین‌رو وقتی که در مسجد به من گفتند: مخیّر هستی هر که را می‌خواهی انتخاب کنی، این آقا (حسین(ع)) را چون می‌شناختم انتخاب کردم.

حضرت شهربانو، در زمان خلافت امام علی(ع) از امام حسین(ع) دارای فرزندی شد که امام بعد از پدر بود یعنی امام سجاد(ع) از او به دنیا آمد.

به اتفاق مورخین، جناب شهربانو هنگامی که امام زین العابدین(ع) از او متولد شد در همان روزهای اول از دنیا رفت.

Dgyhgvhfgggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggggg ggggggggggggggggggggggggggg

آیا شهر بانو در کربلا حضور داشته است؟

دراین باره باید بگوییم که تقریبا تمام منابع متقدم شیعی - که به زندگانی مادر امام سجاد علیه السلام پس از اسارت پرداخته اند- چنین نگاشته اند که : او درهنگام تولّد امام سجاد علیه السلام درهمان حالت نفاس از دنیا رفت .

ونیز برخی چنین گفته اند: یکی از کنیزان حضرت علی علیه السلام به عنوان دایهٔ اوبه بزرگ کردن امام سجاد علیه السلام پرداخت ومردم خیال میکردند که اومادر امام علیه السلام است بعد از آنکه حضرت او را شوهر داد، فهمیدند: او دایه امام بود، نه مادرش.

بنابراین قطعاً ازدیدگاه منابع معتبر،حضور مادر امام علیه السلام در کربلا منتفی است.

امیر حسین عطاییان